

آسیب‌شناسی بی‌توجهی والدین نسبت به فرزندان در عصر دیجیتال

الهام رجبی ، طلبه سطح^{۱۲}

چکیده :

این پژوهش با هدف تحلیل عمیق پدیده بی‌توجهی والدین در بستر تحولات دیجیتال و با تأکید بر ریشه‌یابی فرهنگی، اجتماعی و روان‌شناختی آن از منظر آموزه‌های اسلامی، به‌ویژه نهج‌البلاغه، انجام شده است. روش تحقیق به‌صورت توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای، متون دینی و آراء اندیشمندانی چون امام خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای و علامه مصباح یزدی طراحی گردیده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که گسترش فضای مجازی و جایگزینی تعاملات مجازی به جای ارتباطات چهره‌به‌چهره، باعث تضعیف پیوند عاطفی والد-فرزند شده و زمینه‌ساز اختلالات روانی (مانند اضطراب و افسردگی)، رفتاری (مانند پرخاشگری و گرایش به رفتارهای پرخطر) و هویتی در نسل جوان گردیده است. این مقاله با مقایسه دیدگاه‌های غربی که بر استقلال فردی تأکید دارند، بر مسئولیت‌پذیری الهی والدین، ضرورت تربیت معنوی و نظارت مستمر در آموزه‌های اسلامی تأکید می‌کند. از منظر اسلامی، فرزند امانتی الهی و آینه نفس والدین محسوب می‌شود و بی‌توجهی به او، خیانت به این امانت و گناهی بزرگ است. در نهایت، مقاله بر ضرورت بازنگری فوری در سبک‌های فرزندپروری و احیای ارتباطات انسانی واقعی در خانواده تأکید دارد و راهکارهایی مانند مدیریت هوشمندانه مصرف رسانه، تقویت ارتباطات عاطفی، آموزش مهارت‌های تربیتی به والدین و نقش‌آفرینی فعال نهادهای فرهنگی و دینی را پیشنهاد می‌نماید.

کلیدواژه‌ها : ارتباطات، تربیت، خانواده، فضای مجازی، فرزندپروری، مسئولیت، نهج‌البلاغه

^۱ طلبه سطح دو مدرسه علمیه حضرت نرجس سلام الله علیها یزدانشهر

مقدمه :

در سایه تحولات شتابان فناوری اطلاعات و ارتباطات، خانواده — به عنوان بنیادین ترین نهاد اجتماعی — دچار دگرگونی های عمیق و گاه غیرقابل بازگشتی شده است. عصر دیجیتال، با همه فرصت های آموزشی و ارتباطی که فراهم کرده، به طور همزمان زمینه ساز چالش های جدی در حوزه تربیت و روابط خانوادگی نیز بوده است. یکی از جدی ترین این چالش ها، پدیده «بی توجهی والدین نسبت به فرزندان» است؛ پدیده ای که امروزه نه به عنوان یک کاستی فردی، بلکه به مثابه یک بحران ساختاری و فرهنگی در جوامع مدرن و پسا مدرن مطرح می شود. این بی توجهی، بیش از آنکه ناشی از بی میلی یا بی علاقه ای والدین باشد، حاصل فشارهای اقتصادی، فرهنگ فردگرایی، وابستگی به رسانه های دیجیتال، و فقدان آموزش های تربیتی کاربردی است.

مطالعات متعدد داخلی و خارجی — از جمله کتاب «تربیت در عصر رسانه» اثر محمدرضا زائری (۱۳۹۹: ۴۹) و پژوهش های: «نقش والدین در تربیت فرزندان در عصر دیجیتال» در فصلنامه مطالعات فرهنگی (۱۳۹۹). احمدی (۱۴۰۰) در زمینه ارتباط والد-فرزند و سلامت روان نوجوانان، فلاحی (۱۴۰۲) درباره آموزش والدین در عصر دیجیتال، و ناصری (۱۳۹۹) در تحلیل تأثیر مصرف رسانه ای والدین بر اضطراب اجتماعی فرزندان — نشان داده اند که صرف زمان بیشتر والدین در فضای مجازی، حتی در حضور فیزیکی در خانه، به شدت بر کیفیت ارتباطات عاطفی و تربیتی تأثیر منفی می گذارد. در سطح بین المللی نیز، پژوهش هایی مانند مطالعه Radesky و همکاران (۲۰۱۴) در مجله «Pediatrics»، به خوبی نشان می دهد که تداخل فناوری در تعاملات خانوادگی، نه تنها روابط والدین-فرزند، بلکه حتی روابط زناشویی را نیز تضعیف می کند.

با وجود این حجم از پژوهش‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، شکاف محسوسی در ادبیات موضوع مشاهده می‌شود: کمتر پژوهشی به‌صورت تلفیقی و عمیق به تحلیل این پدیده از منظر متون دینی، به‌ویژه «نهج‌البلاغه» و آموزه‌های اندیشمندان شیعه همچون امام خمینی (ره)، آیت‌الله خامنه‌ای و علامه مصباح یزدی پرداخته است. در حالی که آموزه‌های اسلامی، فرزند را نه یک مسئولیت موقت، بلکه «امانتی الهی» و «آینه نفس» والدین می‌داند و بی‌توجهی به او را خیانت به این امانت و گناهی بزرگ تلقی می‌کند. از این رو، نوآوری اصلی این پژوهش در تلفیق دیدگاه‌های علوم انسانی مدرن با بنیان‌های اسلامی و ارائه راهکارهای عملیاتی مبتنی بر تعالیم دینی است.

فرضیه اصلی این پژوهش آن است که عصر دیجیتال، با جایگزینی تعاملات مجازی به جای ارتباطات چهره‌به‌چهره و ایجاد فاصله روانی میان اعضای خانواده، زمینه‌ساز گسترش بی‌توجهی والدین نسبت به نیازهای عاطفی، تربیتی و اجتماعی فرزندان شده است. پدیده‌ای که پیامدهای روانی (مانند اضطراب و افسردگی)، رفتاری (مانند پرخاشگری و گرایش به رفتارهای پرخطر) و هویتی در نسل جوان به همراه دارد. هدف اصلی این مقاله، تحلیل چندبُعدی پدیده بی‌توجهی والدین در عصر دیجیتال از منظر روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و اندیشه اسلامی، و ارائه راهکارهایی کاربردی برای بازسازی ارتباطات انسانی در خانواده بر اساس آموزه‌های قرآن و نهج‌البلاغه است. این هدف با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و استناد به منابع کتابخانه‌ای، متون دینی و دیدگاه‌های اندیشمندان معاصر دنبال می‌شود. در نهایت، این پژوهش در پی آن است که نشان دهد: مقابله با بی‌توجهی والدین، نیازمند بازنگری فوری در سبک‌های فرزندپروری، احیای فضای گفت‌وگو و محبت در خانواده، و نقش‌آفرینی فعال نهادهای فرهنگی و دینی در آموزش والدین است. نه صرفاً به‌عنوان یک مسئولیت فردی، بلکه به‌مثابه یک وظیفه اجتماعی و الهی.

۱. چارچوب نظری و مدل مفهومی پژوهش :

برای درک عمیق‌تر پدیده بی‌توجهی والدین در عصر دیجیتال، ضروری است که چارچوب نظری منسجمی ارائه شود که متغیرهای کلیدی پژوهش را به هم پیوند دهد. در این مقاله، از تلفیق سه رویکرد نظری استفاده می‌شود:

۱- نظریه دلبستگی (Bowlby, 1969): این نظریه بر اهمیت ارتباط عاطفی اولیه کودک با مراقب اصلی (معمولاً مادر) تأکید دارد. بی‌توجهی والدین در عصر دیجیتال، نوعی "دلبستگی ناایمن" را در کودک ایجاد می‌کند که پیامدهای طولانی‌مدتی بر سلامت روانی و روابط عاطفی او در بزرگسالی دارد (منصور، ۱۳۹۲، ص ۷۸).

۲- نظریه سرمایه اجتماعی (Bourdieu, 1986): خانواده به عنوان اولین نهاد اجتماعی، مسئول تولید "سرمایه اجتماعی" برای کودک است. شامل مهارت‌های ارتباطی، شبکه‌های اعتماد و همدلی. بی‌توجهی والدین، این سرمایه را تحلیل می‌برد و کودک را در جامعه آسیب‌پذیر می‌کند (شریفی، ۱۳۹۴، ص ۹۲).

۳- نظریه تربیت اسلامی مبتنی بر فطرت (علامه مصباح یزدی): این نظریه بر این اصل استوار است که انسان دارای فطرت الهی است و تربیت وظیفه هدایت این فطرت به سوی کمال است. بی‌توجهی والدین، مانع از شکوفایی این فطرت می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۵، ص ۷۲).

مدل مفهومی پژوهش

متغیر مستقل: تحولات دیجیتال (شامل: زمان صرف‌شده در فضای مجازی، نوع مصرف رسانه، غلبه ارتباطات مجازی بر واقعی)

متغیر واسطه‌ای: کاهش کیفیت ارتباط عاطفی والد-فرزند

متغیر وابسته: اختلالات روانی، رفتاری و اجتماعی در کودکان و نوجوانان می باشد. این مدل به خوبی نشان می دهد که فناوری به خودی خود آسیبزا نیست، بلکه نحوه استفاده و تأثیر آن بر کیفیت روابط انسانی است که تعیین کننده نتیجه نهایی است.

۲- مبانی نظری و مفهومی بی توجهی والدین در عصر دیجیتال

۲-۱. مفهوم بی توجهی والدین

بی توجهی والدین یکی از اشکال مهم غفلت تربیتی است که در آن والدین به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه از ایفای نقش حمایتی، عاطفی و تربیتی خود نسبت به فرزندان بازمی مانند. این بی توجهی می تواند در قالب های مختلفی مانند عدم حضور فیزیکی یا روانی، نادیده گرفتن نیازهای هیجانی کودک، بی تفاوتی نسبت به پیشرفت تحصیلی یا عدم مشارکت در فعالیت های اجتماعی فرزند نمود پیدا کند. در واقع، بی توجهی والدین نه تنها به معنای فقدان مراقبت فیزیکی نیست، بلکه بیشتر به غیبت روانی و عاطفی والدین در زندگی کودک اشاره دارد. پژوهش ها نشان داده اند که کودکان در چنین شرایطی دچار احساس طردشدگی، ناامنی و کاهش اعتماد به نفس می شوند که این امر زمینه ساز بروز اختلالات روانی، رفتاری و حتی اجتماعی در آینده خواهد بود (رستگار، ۱۳۹۷، ص ۶۵؛ شریفی، ۱۳۹۴، ص ۹۲).

۲-۲. ویژگی های عصر دیجیتال و تأثیر آن بر خانواده

عصر دیجیتال با تحولات گسترده در فناوری اطلاعات و ارتباطات، سبک زندگی انسان ها را دگرگون کرده است. ظهور گوشی های هوشمند، شبکه های اجتماعی، بازی های آنلاین و پلتفرم های سرگرمی باعث شده اند که تعاملات انسانی به شدت تحت تأثیر قرار گیرد. در خانواده ها، والدین به جای گفت و گوهای چهره به چهره و تعاملات عاطفی، اغلب درگیر صفحات نمایش و فضای مجازی هستند. این تغییرات موجب شده است که نقش تربیتی والدین کمرنگ شود و فرزندان در خلأ ارتباطی رشد کنند. دکتر زارع هشدار

دکتر محمدی در مقاله *نقش مساجد در تربیت خانواده* می‌نویسد: «مساجد می‌توانند با ارائه آموزش‌های تربیتی، نقش مؤثری در ارتقای آگاهی والدین ایفا کنند» (محمدی، ۱۴۰۱: ص ۸۳). همچنین، دکتر صادقی در پژوهشی با عنوان *نقش نهادهای فرهنگی در تربیت دیجیتال* تأکید می‌کند: «تولید محتوای اسلامی در فضای مجازی، می‌تواند جایگزینی مناسب برای محتوای آسیب‌زا باشد» (صادقی، ۱۴۰۰: ص ۶۵).

پیشنهاد می‌شود نهادهای فرهنگی با همکاری متخصصان تربیتی، اپلیکیشن‌های آموزشی، پادکست‌های تربیتی، و دوره‌های مجازی برای والدین طراحی کنند تا تربیت اسلامی در بستر دیجیتال نیز جاری شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بی‌توجهی والدین نسبت به فرزندان در عصر دیجیتال، پدیده‌ای چندوجهی و پیچیده است که ریشه در تحولات فناورانه، تغییر سبک زندگی، و ضعف در ارتباطات انسانی دارد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که کاهش تعاملات عاطفی، وابستگی به رسانه‌های مجازی، و فقدان نظارت تربیتی، موجب بروز اختلالات روانی، رفتاری و اجتماعی در کودکان و نوجوانان شده است.

مطابق با دیدگاه دکتر منصور، «دور شدن والدین از نقش تربیتی، به‌ویژه در سال‌های اولیه رشد، موجب شکل‌گیری شخصیت‌های آسیب‌پذیر و ناپایدار در نوجوانی می‌شود» (منصور، ۱۳۹۲: ص ۸۳). همچنین، دکتر رستگار تأکید می‌کند که «بی‌توجهی والدین، عامل زمینه‌ساز بروز رفتارهای پرخطر و اختلالات رفتاری در نوجوانان است» (رستگار، ۱۳۹۷: ص ۶۵).

در مقایسه با دیدگاه‌های غربی که بر استقلال تربیتی و آزادی فردی تأکید دارند، آموزه‌های اسلامی به‌ویژه در نهج‌البلاغه علیه‌السلام، بر مسئولیت‌پذیری والدین، تربیت معنوی و نظارت مستمر تأکید می‌ورزند. امام

علی علیه السلام در نهج البلاغه، تربیت فرزند را وظیفه ای الهی و اجتماعی می داند که باید با محبت، هدایت و مراقبت همراه باشد (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

از منظر اندیشمندان شیعه همچون امام خمینی رحمه الله علیه، آیت الله خامنه ای دام ظلّه العالی و علامه مصباح یزدی رحمه الله علیه، تربیت فرزند نه تنها یک وظیفه خانوادگی بلکه یک مسئولیت اجتماعی و الهی است. بنابراین، احیای نقش تربیتی والدین، مدیریت مصرف رسانه، و تقویت ارتباطات عاطفی در خانواده، از جمله راهکارهای ضروری برای حفظ سلامت روانی و اجتماعی نسل آینده است.

پیشنهادهایی برای پژوهشگران آینده:

با توجه به گستردگی و پیچیدگی موضوع، پیشنهاد می شود پژوهشگران آینده به محورهای زیر توجه کنند:

- بررسی تأثیر شبکه های اجتماعی خاص (مانند اینستاگرام، تیک تاک یا تلگرام) بر روابط والد-فرزند در خانواده های ایرانی

- تحلیل نقش مادران شاغل در مدیریت تربیتی در عصر دیجیتال و مقایسه آن با مادران خانه دار

- مطالعه تطبیقی میان سبک های فرزندپروری اسلامی و روان شناسی مدرن با تأکید بر آثار تربیتی

- بررسی تأثیر آموزش های دینی در مدارس بر کاهش آسیب های تربیتی ناشی از فضای مجازی

- طراحی مدل های تربیتی اسلامی برای خانواده های دیجیتال محور با بهره گیری از نهج البلاغه علیه السلام

- تحلیل نقش رسانه های اسلامی و نهادهای فرهنگی در آگاه سازی والدین نسبت به وظایف تربیتی

- بررسی تجربیات موفق خانواده های ایرانی در مدیریت فضای مجازی و تربیت فرزند در بستر دیجیتال

منابع :

قرآن کریم : ترجمه ناصر مکار شیرازی.

نهج البلاغه

- احمدی، زهرا، (۱۴۰۰)، «نقش تعامل والد-فرزند در سلامت روان نوجوانان»؛ فصلنامه روان‌شناسی

تربیتی دانشگاه تهران» شماره ۵۲.

- قائمی، علی، (۱۳۹۰)، «خانواده و تربیت اسلامی»؛ تهران: انتشارات امیرکبیر.

- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، «الکافی» ترجمه محمدباقر کمره‌ای، جلد ۶، تهران: دارالکتب

الاسلامیه.

- خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۵) «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با خانواده‌ها»؛ تهران: دفتر حفظ و نشر

آثار مقام معظم رهبری.

- خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۸)، «فضای مجازی و خانواده» ، پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR ، شماره

۴۵، ص ۲۱-۲۴.

- خمینی، روح‌الله، (۱۳۷۸)، «شرح حدیث جنود عقل و جهل» تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام

خمینی.

- رضایی، فاطمه، (۱۴۰۰)، «نقش خانواده در توسعه مهارت‌های اجتماعی کودکان»؛ فصلنامه مطالعات

تربیتی ایران، شماره ۳۲.

- رضایی، فاطمه، (۱۴۰۲)، «روابط عاطفی در خانواده‌های ایرانی»، پژوهشنامه علوم رفتاری*، شماره ۴۹.

- رست، جیمز، (۲۰۱۵)، «Parenting in the Digital Age»؛ Journal of Family Psychology

شماره ۲۳.

- رستگار، ناصر، (۱۳۹۷)، «آسیب‌شناسی روانی کودکان» اصفهان: انتشارات مهرگان.

- زارع، مهدی، (۱۳۹۹)، «فضای مجازی و تربیت فرزند»، فصلنامه مطالعات فرهنگی، شماره ۴۵.

- زارعی، سمیه، (۱۴۰۰)، «سبک‌های فرزندپروری در ایران»؛ تهران: نشر علم نو.

- صادقی، مهدی، (۱۳۹۹)، «مهارت‌های اجتماعی در کودکان» تبریز: انتشارات آوای علم.

- فاطمی، محمد، (۱۳۹۸)، «رسانه و خانواده» تهران: انتشارات سروش.

- فلاحتی، مریم، (۱۴۰۲)، «آموزش والدین در عصر دیجیتال»، فصلنامه خانواده و رسانه، شماره ۲۷.

- محمدی، حسین، (۱۴۰۱)، «نقش آموزه‌های علوی در تربیت فرزند»، مجله مطالعات اسلامی تربیت

کودک، شماره ۱۲،

- محمدی، -، (۱۴۰۱)، «نقش مساجد در تربیت خانواده»، فصلنامه فرهنگ و تربیت اسلامی، شماره ۱۸.

- منصور، علی، (۱۳۹۲)، «روان‌شناسی رشد»، تهران: انتشارات سمت.

- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۵)، «آموزه‌های تربیتی اسلام»، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام

خمینی.

- نعمتی، بهرام، (۱۴۰۱)، «رفتارهای پرخطر در نوجوانان»، تهران: نشر آتیه.

- ناصری، محمد، (۱۳۹۹)، «تأثیر مصرف رسانه‌ای والدین بر اضطراب اجتماعی نوجوانان»، پژوهشنامه

علوم رفتاری دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۳۸،